



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۴

تبیین نقش عوامل مؤثر بر تعلق مکانی در بافت‌های شهری (مطالعه موردی: بافت‌های قدیم، میانی، جدید و حاشیه‌ای شهر سنندج)

فرزام اله ویسی (دانش آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران)

farzam.tohi@yahoo.com

فرزین چاره‌جو (استادیار گروه شهرسازی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران، نویسنده مسئول)

f.charehjoo@iausdj.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۷

صص ۱۸۴-۱۶۵

چکیده

اهمیت ایجاد زمینه‌های دلبستگی به مکان و تقویت مؤلفه‌های مؤثر بر آن به ضرورت موضوع دلبستگی به مکان و شناخت عوامل تقویت کننده آن می‌افزاید. تحقیق حاضر که با هدف بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای دلبستگی به مکان در سه مقیاس خانه، محله و شهر در بافت‌های شهر سنندج انجام شده است، دارای هدف کاربردی و ماهیت و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش، ۳۲۱ نفر از ساکنین بافت‌های چهارگانه سنندج است. دلبستگی به مکان و ابعاد آن، متغیر وابسته و عوامل دلبستگی به مکان و مقیاس مکان به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند. جهت بررسی مقایسه‌ای محدوده‌های پژوهش در سه سطح از آزمون‌های پس از تجربه به کمک آزمون توکی؛ برای ارزیابی اثرگذاری عوامل کالبدی، اجتماعی و فردی بر دلبستگی به مکان؛ و همچنین دلبستگی به مکان در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که از میان متغیرهای بعد روانشناسی، عناصر عاطفی، شناختی و رفتاری دلبستگی، عوامل کالبدی و اجتماعی و متغیرهای مستقل ویژگی‌های فردی رابطه معناداری با متغیر وابسته دلبستگی به مکان دارند. بررسی نتایج و مقایسه عوامل دلبستگی در بین چهار محدوده نشان می‌دهد که محله بافت حاشیه با کمترین میزان دلبستگی به محله، از میان ابعاد دلبستگی، بعد عاطفی و از میان عوامل دلبستگی، عامل کالبدی نقش مؤثرتری بر دلبستگی به محله دارد، که لازم است در طرح‌های آتی به آنها توجه ویژه‌ای مبدول شود، تا بتوان دلبستگی ساکنین به محله را ارتقا بخشید و از مهاجرت ساکنان به خارج محله جلوگیری نمود.

کلیدواژه‌ها: بافت شهری، حس تعلق، سنندج معادلات ساختاری.

۱. مقدمه

فضای عمومی شهرها همچون بستری جهت تعامل انسان‌ها با یکدیگر و همچنین تعامل آنها با محیط عمل می‌کند. این فضاها (که عمدتاً خیابان‌ها و پیاده‌روها بستر اصلی تردد و حضور شهروندان هستند) را می‌توان چیزی بیش از ترکیب خصوصیات فیزیکی آن و عابرینی که در آن توقف و تردد کنند، تفسیر کرد (سانگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۱؛ بیگدلی راد^۲ و بین نگاه^۳، ۲۰۱۳، ص. ۱۲).

پیوند بین انسان و محیط مبتنی بر تعامل قابلیت‌های بالقوه قلمرو کالبدی و نیازهای انسان است و هر محیط ساخته‌شده از خانه تا محله و از محله تا شهر، نمادی از حضور خواسته‌های انسان است. بنابراین مسئله اساسی، درک نقش محیط مصنوع و ماهیت انسان است، زیرا انسان از یک سو تحت تأثیر شرایط محیط قرار می‌گیرد و از سوی دیگر به محیط سازمان می‌بخشد و شرایط آن را مناسب با هدف‌ها و نیازهای خود تطبیق داده و بر آن تأثیر می‌گذارد (ابوسفیه^۴ و رازم^۵، ۲۰۱۷، ص. ۲).

حس تعلق به مکان که برپایه حس خوشایند هماهنگی و آشنایی با محیط و در ادامه ادراک هویت و معانی مکان شکل می‌گیرد، موجب انسانی شدن فضا و در نتیجه برقراری ارتباط، افزایش مقبولیت و تمایل افراد به حضور و بهره‌برداری از آن می‌شود (یوجانگ^۶، ۲۰۱۲، ص. ۱۵۶؛ پلیز^۷ و کوالز^۸، ۲۰۲۰، ص. ۱۶۴۷؛ فلاحت و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۶). لذا توجه به مدیریت و برنامه‌ریزی شهرها چه از بعد کالبدی و چه از بعد روانی برای افزایش رضایت‌مندی ساکنین و ارتقای حس تعلق و دلبستگی مکانی در شهروندان، امری ضروری به نظر می‌رسد (چاره‌جو و حوریجانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۲).

هاگرتی و همکاران (۲۰۱۵) احساس تعلق را به عنوان تجربه مداخله شخصی در یک سیستم و یا محیط عنوان کرده‌اند، به طوری که افراد خود را جزئی جدایی‌ناپذیر از آن سیستم یا محیط می‌دانند (کیچن^۹ و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۳). به‌طور کلی، حس تعلق به مکان یک پیوند عاطفی مثبت بین مردم و مکان است ریشه در حس خوشایند هماهنگی و آشنایی با محیط دارد، در پی ادراک معانی مکان و فضا شکل می‌گیرد و موجب انسانی‌تر شدن فضا و در نتیجه برقراری ارتباط دوسویه، افزایش مقبولیت و تمایل افراد به حضور مستمر و بهره‌برداری از مکان خواهد شد، به‌گونه‌ای که نقشی تعیین‌کننده در میزان جذب مخاطبان و انجام فعالیت در فضا دارد، عاملی که حیات یا مرگ فضا

1. Song
2. Bigdeli Rad
3. Bin Ngah
4. Abusafieh
5. Razem
6. Ujang
7. Plys
8. Qualls
9. Kitchen

وابسته بدان است (جانسن^۱، ۲۰۲۰، ص. ۴۰۸؛ هاشمزاده^۲ و همکاران، ۲۰۱۳، ص. ۵؛ فلاحت و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۳؛ احمدی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۲).

برخورداری از احساس تعلق همچنین یکی از تعیین کننده‌های مهم در بهزیستی روان‌شناختی و جسمانی شناخته شده است. آبراهام مازلو^۳ نیز احساس تعلق را در قالب یکی از نیازهای اساسی انسان عنوان کرده است (کیچن و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۳). تحقیقات اخیر که در حوزه سلامت انجام شده است نشان داده‌اند که محیط مصنوع تأثیر بسزایی بر کیفیت زندگی افراد دارد و سلامت افراد به طور بالقوه تحت تأثیر محیطی قرار دارد که در آن سکونت دارند (عزیزی^۴ و شاکری^۵، ۲۰۱۸، ص. ۵۴۸؛ پیترولمن^۶ و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۲). این پژوهش‌ها همچنین نشان داده‌اند که از جمله عوامل زمینه‌ای تأثیر گذار بر سلامت می‌توان به کیفیت محل زندگی وی اشاره نمود، که همین خود بر اهمیت کیفیت رابطه بین محل سکونت افراد و سلامت جسمی و روانی آنها اشاره دارد. تحقیقات انجام شده به وضوح نشان داده‌اند که کیفیت ارتباط افراد با محل سکونت آنها نقش اساسی در بهزیستی و تندرستی آنها دارد (گاتینو^۷ و همکاران، ۲۰۱۳، ص. ۸۱۲).

به طور کلی، بر اساس آنچه که مطرح شد، رابطه انسان با محیط زندگی خود یکی از معیارهای اساسی جهت درک عمیقتر عوامل تأثیرگذار محیطی بر رفتار انسان و به طور کلی روانشناسی محیط می‌باشد. که در این زمینه، نحوه درک و تجربه مردم از یک مکان یکی از عوامل اصلی تبیین کننده می‌باشد. احساس تعلق و دلبستگی به مکان مزایای جسمی و روانی بسیاری را برای افراد به همراه خواهد داشت که این خود ممکن است، فواید بالقوه ای برای سلامتی انسان و رفتارهای حامی محیط داشته باشد (جانوت^۸ و فنویللت^۹؛ ۲۰۱۸، ص. ۵۰).

بنابر آنچه که مطرح شد، متأسفانه با نگاهی به تجارب ساخت و ساز در استان کردستان و به ویژه شهر سنندج، در زمینه مجتمع‌ها و محلات مسکونی، روشن است که رویکرد غالب آنها، رویکردی تک بعدی بوده که در آن تنها به ساخت و توسعه سرپناهی برای اقامت و استراحت، کار و پیشه و تا حدود زیادی فضایی برای سرریز جمعیتی توجه شده است، که فقدان توجه به تاریخ، فرهنگ و خاطره جمعی در این سکونت‌گاه‌ها و در پی آن، فرارگیری مسائل مالی، توجیحات اقتصادی و... در اولویت ساخت و سازها، موجب شده است که موضوع هویت و خاطره جمعی تعلق مکانی به مثابه یک حلقه گمشده تلقی گردد. در واقع در این زمینه، توسعه شتابان و بدون برنامه ریزی بویژه در بافت‌های ناکارآمد نظیر بافت حاشیه‌نشین بافت حاشیه (محل نایسر) و بافت فرسوده بافت قدیم (چهارباغ)، عرصه‌های شهری را با چالش‌های بسیاری روبرو ساخته و همین مسئله حیات اجتماعی ساکنان را نیز تحت تأثیر

1. Jansen
2. Hashemnezhad
3. Abraham Maslow
4. Azizi
5. Shekari
6. Pinter-Wollman
7. Gattino
8. Junot
9. Fenouillet

خود قرار داده است. در همین رابطه، این پژوهش بر آن است تا به بررسی الگوی کالبدی و ارتباط آن با حس تعلق به مکان در بین ساکنین محلات و سنجش میزان تعلق مکانی در چهار محله با الگوی کالبدی متفاوت بپردازد و در این مسیر با شناخت عناصر و اجزای کالبدی، الگو و ساختار محلات نظیر الگوی توزیع خدمات، شبکه ارتباطی و نحوه استفاده از فضاهای باز و... و همچنین بررسی رابطه آن‌ها با حس تعلق مکانی شهروندان بپردازد تا با ارائه چک لیست و چارچوبی طراحی‌شده بتواند دل‌بستگی مکانی را در نمونه مورد مطالعه تقویت کند.

علی‌رغم اهمیت این موضع، امروزه توسعه موجود در شهرهای کنونی نشان می‌دهد که تحولات سریع شهرنشینی و تسلط همه جانبه برنامه‌ریزی و توسعه نابسامان و نامتناسب بر مدیریت شهرهای امروزی، موجب از بین رفتن روح و شخصیت و هویت دیرینه شهرها شده و علی‌رغم وجود کالبد متمایز و خیره‌کننده شهرها و فضاهای شهری، حس تعلق به مکان رنگ کمتری به خود گرفته و وجود حس غریبگی در فضاهای شهری، عدم اعتماد و نبود یک هویت جمعی مشترک در میان شهروندان موج می‌زند (کاظم‌زاده آزاد، ۱۳۹۱، ص. ۵۳؛ رجایی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۴). علاوه بر این، جهانی‌سازی، تجاری‌سازی و ارتباطات جمعی نیز همگی منجر به یکنواختی کالبدی، فرهنگی و اجتماعی در فضاهای شهری شده و عدم تطابق و اتصال چشم‌اندازهای شهری با معانی و هویت مکان، موجب از بین رفتن ارزش‌های کالبدی، شاخصه‌های فرهنگی و عاطفی فضاهای شهری شده‌اند؛ پدیده‌ای که از آن به عنوان "بی‌مکانی" یاد می‌شود، که به معنی کم‌رنگ شدن هویت و کاهش تعلق مکانی تفسیر شده است (شیم، ۲۰۱۱، ص. ۱؛ یوجانگ^۲ و زکریا^۳، ۲۰۱۵، ص. ۷۱۲؛ یوان^۴ و کروکس^۵، ۲۰۱۹، ص. ۱۵).

ریموند و همکاران (۲۰۱۰) نیز مدل متفاوتی را در رابطه با ابعاد تأثیر گذار بر تعلق مکانی ارائه داده‌اند. این مدل هم شامل هویت مکان و هم شامل وابستگی مکانی می‌باشد که هر دو منعکس‌کننده ارتباطات انسان با مکان از جمله پاسخگویی مکان، احساسات و ادراکیت و همچنین ارتباط نمادین به مکان می‌باشد. بعد سوم در این مدل، پیوند طبیعت است، که نشان‌دهنده ارتباطات با محیط طبیعی که ریشه در نمایش شناختی و یا پاسخ عاطفی دارد، می‌باشد. بعد چهارم، پیوند اجتماعی است. که همین خود منعکس‌کننده ارتباطات عاطفی دارد که ریشه در علایق، گذشته مشترک و پیوندها با مکان و اجتماعات موجود دارد و احساس تعلق به آن جامعه را دربر می‌گیرد.

به طور کلی و بر اساس آنچه که مطرح شد، حس تعلق به مکان در حوزه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته و به روش‌های مختلفی تعریف شده است، که می‌توان تمامی این تعاریف را در چارچوب کلی ارائه شده توسط اسکنل و گیفورد تجمیع نمود. مدل ارائه شده توسط این محققین سه بعد "شخص-فرایند-مکان" را به عنوان زیرمجموعه تعلق مکانی نام برده است (اسکانل^۶ و گیفورد^۷، ۲۰۱۰، ص. ۲). در این مدل فرد به سطوح وابستگی

1. Shim
2. Ujang
3. Zakariya
4. Yuan
5. Crooks
6. Scannell
7. Gifford

مکانی در سطح فردی و گروهی اشاره دارد؛ بعد مکان نیز بر خصوصیات کالبدی و اجتماعی تعلق مکانی تمرکز دارد که خود شامل تعیین فضایی، اهمیت مکان و سطوح مختلف فضایی جنبه های اجتماعی و کالبدی فضا می باشد. نهایتاً، بعد روانشناختی نیز فرایند دل بستگی به مکان را نشان می دهد که دربرگیرنده اجرای شناختی، عاطفی و ادراکی دل بستگی می باشد (مولای^۱ و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۴).



شکل ۱. مدل ارائه شده توسط اسکنل و گیفورد.

(تیکسیرا^۲ و همکاران، ۲۰۱۴، ص. ۵؛ مولای و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۴؛ اسکنل و گیفورد، ۲۰۱۰، ص. ۲).

جدول ۱. دیدگاه متفکران مختلف در رابطه با حس تعلق به مکان.

جغرافیای انسانی حس تعلق به معنای پیوندی محکم و عامل تأثیر گذار میان مردم و مکان با اجزاء تشکیل دهنده آن است که سبب گسترش عمق ارتباط و تعامل فرد با محیط گردیده و با گذر زمان، عمق و گسترش بیشتری خواهد یافت.	رالف ورت (۱۹۳۶)	پدیدار شناسان
شولتز مطالعه مکان را مطالعه رویدادها و حوادثی که در آن اتفاق می افتد دانسته و معتقد است که مجموعه ای از رخدادها، شکلها، رنگ ها و بافت ها، شخصیت یک مکان و هویت آن را شکل میدهند. او ارتباطی بین معماری، مکان و هویت فرهنگی برقرار نموده و بر این باور است که تجربه مکان تجربه معنای مکان است.	شولتز (۱۹۸۱)	
حس تعلق مکانی در سطح بالاتری از حس مکان بوده که به جهت تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین کننده ای دارد. حس تعلق مکانی پیوند فرد با مکان را منجر شده که در آن افراد با توجه به نشانه ها، معانی و عملکرد، به تشکیل یک تصویر ذهنی از محیط پرداخته و برای وی مکان نقش ویژه ای پیدا خواهد کرد.	اسنل (۱۹۸۱)	روانشناسان محیطی
در سطح حس تعلق مکانی، فرد نه تنها از نام و نمادهای مکان آگاهی دارد بلکه با مکان احساس تقدیر مشترک نیز خواهد داشت. وی برای حس تعلق مکانی ۳ مرحله تعلق، دل بستگی و تعهد به مکان اشاره دارد.	تد مای (۱۹۹۱)	پروشانسکی
وی با تاکید بر هویت مکان به عنوان بستر و عامل ارتباطی مهم در ارتباط انسان، بر نقش عوامل کالبدی به عنوان بخشی از عناصر اجتماعی در محیط تاکید دارد و بر همین اساس عامل مهم تعامل و ارتباط تنگاتنگ فرد با محیط خود را به عناصر کالبدی به عنوان بخشی از هویت ذهنی و فردی ارجاع می دهد.		
وی معنی را عامل هویت بخشی و فضای هستی را عامل تعلق مکانی افراد به محیط بیان کرده و خصوصیات		

1. Moulay

2. Teixeira

این ۳ مکان را در ۳ عامل گونه شناسی، مکان شناسی و ریخت شناسی بیان کرده و به ارتباط درون و بیرون عناصر کالبدی در طراحی و ساماندهی فضا اشاره می نماید.	
حس تعلق مکانی را چیزی بیش از تجربه شناختی دانسته و اعتقاد داد که این حس، عقاید فرهنگی مرتبط کننده افراد افراد با محیط را شامل می شود و خصوصیات این محیط را در ۳ عامل مقیاس، اختصاصی بودن و قابلیت دسترسی بیان می کند.	آلتمن

مأخذ: (یعقوب زنگنه و حسین آبادی، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۳؛ رلف، ۱۳۹۷، ص. ۵۸؛ شولتز، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۶).

به طور کلی و بر اساس آنچه که مطرح شد، اهداف اصلی و کلان مورد نظر در این تحقیق، ارتقای دلبستگی به مکان به ویژه محله در میان ساکنین محلات واقع در بافت‌های مختلف شهر سنندج و دستیابی به یک ارتباط منطقی بین ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری دلبستگی به مکان و مقیاس مکان می‌باشند، که با ارائه پاسخ‌های منطقی به پرسش‌هایی که در ادامه خواهد آمد، در صدد دستیابی به آنها می‌باشد.

مؤلفه‌ها و معیارهای اصلی مؤثر بر ایجاد و تقویت دلبستگی به مکان کدامند؟ و کدام بعد بر میزان دلبستگی ساکنین مؤثرتر می‌باشد؟

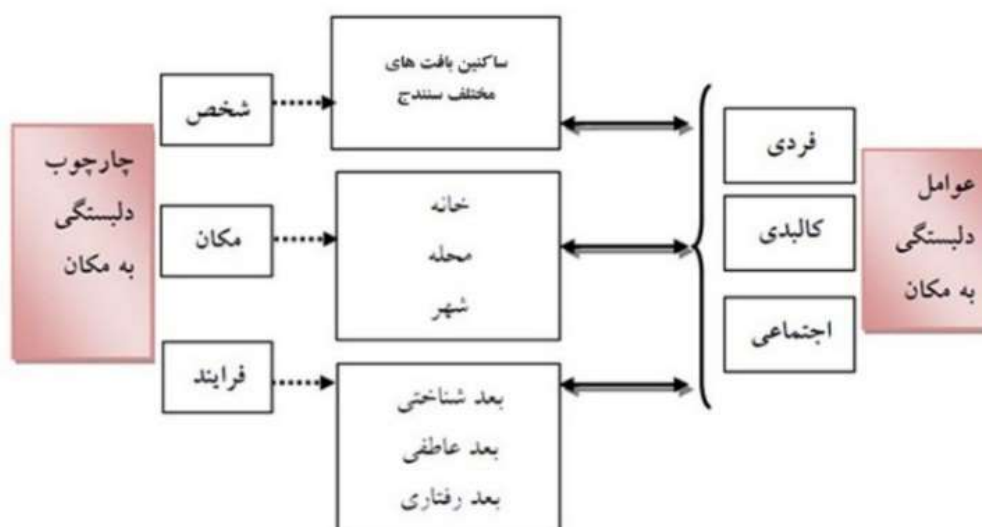
۲. متدولوژی

تحقیق حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی است و از نظر ماهیت و روش تحقیق مورد استفاده از نوع پیمایشی می‌باشد که از یک پرسشنامه استاندارد شده در جامعه ایران بهره برده شده است. جامعه آماری این پژوهش، ۳۲۱ نفر از ساکنین بافت‌های چهارگانه شهر سنندج می‌باشد که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی مورد پرسش قرار گرفته‌اند. به طور کلی، این پژوهش در تلاش جهت تبیین ارتباط طراحی شهری و حس تعلق مکانی است. جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کلموگروف اسمیرنوف، جهت بررسی میانگین جامعه‌های مورد بررسی از آزمون واریانس یک‌طرفه و برای بررسی مقایسه‌ای بین محدوده‌های مورد بررسی در سه سطح مختلف از آزمون‌های پس از تجربه^۱ به کمک آزمون توکی^۲ استفاده شده است. برای ارزیابی اثرگذاری عوامل کالبدی، اجتماعی و فردی بر دلبستگی به مکان در سه مقیاس و همچنین دلبستگی به مکان در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. برای سنجش میزان پایایی ابزار پژوهش (پرسشنامه) از روش "آلفای کرونباخ" استفاده شده است، که ضریب آلفای کرونباخ بدست آمده ۰/۷۱۵ می‌باشد، که نشان‌دهنده پیوستگی درونی بالای پرسشنامه و پایایی مناسب آن می‌باشد.

دلبستگی به مکان و ابعاد آن (شناختی، عاطفی و رفتاری) به عنوان متغیر وابسته و عوامل دلبستگی به مکان (سه عامل فردی، کالبدی و اجتماعی) و مقیاس مکان به عنوان متغیرهای مستقل مورد آزمون قرار گرفته است.

1. Post Hoc

2. Tukey



شکل ۲. مدل مفهومی تحقیق

مأخذ: (رحیمی، ۱۳۹۲، ص. ۵۸)

محدوده‌های پژوهش به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که به لحاظ ویژگی‌ها و ساختار فضایی و شاخصه‌های مورفولوژیک شهری با یکدیگر متفاوت باشند. در همین رابطه، ۴ محدوده بافت میانی (ادب)، بافت جدید (بهاران)، بافت قدیم (چهارباغ) و بافت حاشیه (محله نایسر) از بافت‌های چهارگانه شهر انتخاب شده‌اند. با توجه به تفاوت در ساختار و فرم شهری بافت‌های چهارگانه شهر سندج، بهترین معیار انتخاب این محدوده‌ها، انتخاب یک نمونه موردی در هر یک از این بافت‌های چهارگانه بوده است، تا از این طریق، با بهره‌گیری از حداکثر تفاوت‌ها، امکان تعمیم نتایج بدست آمده نیز به کل شهر سندج فراهم آید. در ادامه به معرفی بافت‌های چهارگانه و همچنین شناخت و تحلیل محلات منتخب پژوهش پرداخته خواهد شد.



جدول ۲. ویژگی‌های کلی محلات مورد بررسی

ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی	ویژگی‌های کالبدی-فضایی	محل
<p>- درآمد اکثریت ساکنان این محدوده متوسط به پایین می‌باشد. - باتوجه به اینکه ساکنان این محدوده اغلب سال‌های زیادی است که در اینجا سکونت دارند، یکدیگر را می‌شناسند و از سطح مشارکت و همبستگی اجتماعی نسبتاً بالایی برخوردار هستند. به دلیل قدیمی بودن بافت، ساکنان آن را عمدتاً افراد میان‌سال تشکیل می‌دهند.</p>	<p>- قرارگیری در مرکز اقتصادی شهر و دارای معابر کم عرض، فشردگی، تراکم و قدمت بافت، بافت شطرنجی و تا حدودی منظم - وجود عناصر مهم و قدیمی شهر در این محله و دربرگیرنده بازار به عنوان کاربری شهری- منطقه ای ضعف در دارا بودن تسهیلات و خدمات گذران اوقات فراغت در محله</p>	بافت قدیم
<p>- اکثریت مردم این محدوده از درآمد بالایی برخوردار هستند. - باتوجه به نوساز بودن بافت این محدوده، ساکنان آن را عمدتاً افراد جوان تشکیل می‌دهند.</p>	<p>- بافت متراکم، برنامه ریزی شده، درشت دانه و پایدار توسعه بر اساس طرح‌های پیشنهادی جدید و به صورت شطرنجی - عدم وجود اختلاط کاربری و تسلط کاربری مسکونی بر محدوده</p>	بافت میانی
<p>- درآمد ساکنان این محدوده متوسط روبه بالا می‌باشد. - سطح مشارکت و همبستگی در میان ساکنان این محله در سطح مطلوبی قرار دارد.</p>	<p>- تسلط بافت آپارتمانی و مسکونی، بافت متراکم و معابر خودرو محور</p>	بافت جدید
<p>- درآمد تمامی ساکنان این محدوده متوسط به پایین می‌باشد و به طور کلی از وضعیت اقتصادی مطلوبی برخوردار نیستند. - عدم وجود حس مشارکت، همبستگی و حس تعلق به محله در میان ساکنین</p>	<p>- بافت این محله ریزدانه، ناپایدار، فشردگی و تراکم و فاقد طرح از پیش اندیشیده شده است. - کوچه‌ها و معابر کم عرض، جهت‌گیری و پخشایش نامناسب ساختمان‌ها - عدم وجود اختلاط کاربری‌ها، که همین خود باعث وابستگی ساکنین این محله به مرکز شهر شده است.</p>	بافت حاشیه

مأخذ: (مهندسین مشاور تدبیرشهر، ۱۳۸۷).

۳. یافته‌ها

۳.۱. مقایسه تطبیقی متغیرهای پژوهش بین چهار محدوده مورد بررسی

۳.۱.۱. میزان دل‌بستگی به سه مقیاس مکانی

در این مرحله ابتدا نرمال بودن داده‌ها توسط آزمون کلموگروف اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت، نتایج نشان داده است که متغیرهای مورد بررسی دارای توزیع نرمال بوده و می‌توان از تحلیل‌های پارامتریک برای آن استفاده کرد. سپس با توجه به جدول آزمون میانگین، روشن است که تفاوت معنی داری بین دل‌بستگی به سه مقیاس در هر چهار محدوده برقرار می‌باشد. بنابراین دل‌بستگی در هر سه مقیاس جداگانه تحلیل می‌گردد:

جدول ۳. میانگین چندجامعه برای دل بستگی به خانه، محله و شهر بین محلات

مؤلفه‌های پژوهش		مجموع مجزورها	اختلاف F	مجزور میانگین	F	معنی داری
دل بستگی به خانه	بین گروه‌ها داخل گروه‌ها کلی	۳۱/۱۳۱	۳	۱۰/۳۷۷	۱۲/۱۷۲	۰/۰۰۰
		۹۸/۸۹۰	۱۱۶	۰/۸۵۲	-	-
		۱۳۰/۰۲۰	۱۱۹	-	-	-
دل بستگی به محله	بین گروه‌ها داخل گروه‌ها کلی	۱۰/۹۹۷	۳	۳/۶۵۹	۴/۹۹۶	۰/۰۰۳
		۸۴/۹۵۶	۱۱۶	۰/۸۳۲	-	-
		۹۵/۹۳۳	۱۱۹	-	-	-
دل بستگی به شهر	بین گروه‌ها داخل گروه‌ها کلی	۲/۶۲۲	۳	۰/۸۷۴	۱/۶۷۷	۰/۱۷۶
		۶۰/۴۶۰	۱۱۶	۰/۵۲۱	-	-
		۶۳/۰۸۳	۱۱۹	-	-	-

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول دسته‌های همگن توکی نیز نشان می‌دهد که برای دل بستگی به خانه، بافت میانی (ادب) و بافت جدید (بهاران) و بافت قدیم (چهارباغ) در یک دسته همگن قرار دارند و بافت حاشیه (محله نایسر) در دسته جداگانه قرار گرفته است. بدین معنی که بافت حاشیه از نظر فاصله میزان دل بستگی به خانه متمایزتر از محدوده‌ها دیگر می‌باشد. برای دل بستگی به محله، بافت قدیم و بافت میانی و بافت جدید در یک دسته همگن قرار دارند و بافت حاشیه در دسته جداگانه قرار گرفته است و برای دل بستگی به شهر، بافت قدیم در بالاترین، بافت جدید در رتبه دوم، بافت میانی سوم و بافت حاشیه در پایین ترین دسته قرار گرفته اند.

نتایج آزمون‌ها برای مقایسه دل بستگی به سه مقیاس در بین محدوده‌ها بدین ترتیب می‌باشد:

- در بافت حاشیه، دل بستگی به شهر بیشترین و دل بستگی به محله کمترین میزان می‌باشد.
- در بافت جدید، دل بستگی به خانه بیشترین و دل بستگی به شهر کمترین میزان می‌باشد.
- در بافت میانی، دل بستگی به خانه بیشترین و دل بستگی به شهر کمترین میزان می‌باشد.
- در بافت قدیم، دل بستگی به شهر بیشترین و دل بستگی به خانه کمترین میزان می‌باشد.

که باتوجه به مشاهدات میدانی و بررسی‌های انجام شده، از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به فاکتور‌ها و عواملی همچون فاصله از مرکز شهر و مراکز خدماتی و حمل و نقل عمومی، کاربری‌های مورد نیاز زندگی روزانه، کیفیات‌های محیطی، سیما و منظر محلات و تسهیلات و خدمات شهری ارائه شده در سطح این محلات می‌باشد که کیفیت زندگی افراد را تحت تاثیر خود قرار داده است، و همگی بر این نتایج بدست آمده مؤثر بوده اند.

۳.۱.۲. میزان تأثیر عوامل اجتماعی در سه مقیاس مکانی

با توجه به جدول شماره ۴ در رابطه با آزمون میانگین، تفاوت معنی داری بین میزان تأثیر عوامل اجتماعی به سه مقیاس در هر چهار محله برقرار می‌باشد. بنابراین عوامل اجتماعی در هر سه مقیاس جداگانه تحلیل می‌گردد:

مقیاس خانه: آزمون‌های پس از تجربه به کمک آزمون توکی نشان می‌دهد که در عوامل اجتماعی در خانه، بین بافت حاشیه و بافت جدید تفاوت معنی داری وجود دارد و منفی شدن حد بالا و پایین نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی در خانه در بافت جدید بیشتر از بافت حاشیه و بافت قدیم و بافت میانی می‌باشد. همچنین عوامل اجتماعی در محله، بین بافت حاشیه و بافت قدیم تفاوت معنی داری وجود دارد و منفی شدن حد بالا و پایین نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی در بافت قدیم بیشتر از بافت حاشیه و بافت قدیم تفاوت معنی داری وجود ندارد و منفی شدن حد بالا و پایین نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی در شهر در بافت قدیم بیشتر از بافت جدید و بافت میانی می‌باشد، اما عوامل اجتماعی در شهر در بافت قدیم و بافت حاشیه برابر می‌باشد.

جدول ۴. میانگین چندجامعه برای عوامل اجتماعی به خانه، محله و شهر بین محلات

ANOVA						
مؤلفه‌های پژوهش		مجموع مجذورها	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	معنی داری
اجتماعی_خانه	بین گروه ها	۳۹/۶۱۹	۳	۱۳/۲۰۶	۵/۱۸۹	۰/۰۰۲
	داخل گروه‌ها	۲۹۵/۲۳۸	۱۱۶	۲/۵۴۵	-	-
	کلی	۳۳۴/۸۵۶	۱۱۹		--	-
اجتماعی_محله	بین گروه ها	۶/۱۶۹	۳	۲/۰۵۶	۵/۲۳۵	۰/۰۰۲
	داخل گروه‌ها	۴۵/۵۶۲	۱۱۶	۰/۳۹۳	-	-
	کلی	۵۱/۷۳۱	۱۱۹	-	-	-
اجتماعی_شهر	بین گروه ها	۲/۱۸۹	۳	۰/۷۳۰	۳/۹۸۴	۰/۰۱۰
	داخل گروه‌ها	۲۱/۲۴۴	۱۱۶	۰/۱۸۳	-	-
	کلی	۲۳/۴۳۳	۱۱۹	-	-	-

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳.۱.۳. عوامل کالبدی سه مقیاس در میان سه محله

جدول آزمون میانگین نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین میزان تأثیر عوامل کالبدی به سه مقیاس در هر چهار محله برقرار می‌باشد. بنابراین عوامل کالبدی در هر سه مقیاس جداگانه تحلیل می‌گردد:

جدول ۵. میانگین چندجامعه برای عوامل کالبدی به خانه، محله و شهر بین محلات.

ANOVA						
مؤلفه‌های پژوهش		مجموع مجذورها	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	معنی داری
کالبدی_خانه	بین گروه ها	۲۳/۲۱۲	۳	۷/۷۳۷	۲۲/۶۰۱	۰/۰۰۰
	داخل گروه‌ها	۳۹/۷۱۳	۱۱۶	۰/۳۴۲	-	-
	کلی	۶۲/۹۲۵	۱۱۹	-	-	-
کالبدی_محله	بین گروه ها	۱۷/۶۴۴	۳	۵/۸۸۱	۱۶/۱۷۱	۰/۰۰۰
	داخل گروه‌ها	۴۲/۱۸۸	۱۱۶	۰/۳۶۴	-	-
	کلی	۵۹/۸۳۱	۱۱۹	-	-	-

ANOVA						
مؤلفه‌های پژوهش		مجموع مجزورها	درجه آزادی	مجدور میانگین	F	معنی داری
کالبدی_شهر	بین گروه ها	۱۸/۸۳۹	۳	۶/۲۸۰	۱۹/۳۳۸	۰/۰۰۰
	داخل گروه‌ها	۳۷/۶۶۹	۱۱۶	۰/۳۲۵	-	-
	کلی	۵۶/۵۰۸	۱۱۹	-	-	-

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول شماره ۵ در رابطه با میانگین چند جامعه نشان می‌دهد که بین عوامل کالبدی محله در بین محلات تفاوت معنی داری وجود دارد، اما بین عوامل کالبدی خانه و شهر برقرار نیست. جدول توکی نیز نشان می‌دهد که در مقیاس محله، بافت جدید و بافت میانی در یک دسته همگن و بافت حاشیه در دسته جداگانه دیگر قرار دارد.

- مقیاس خانه: آزمون‌های پس از تجربه به کمک آزمون توکی نشان می‌دهد که در عوامل کالبدی در خانه، محله بافت میانی بیشترین و بافت حاشیه کمترین می باشد: بافت میانی < بافت جدید < بافت قدیم < بافت حاشیه
- مقیاس محله: آزمون‌های پس از تجربه به کمک آزمون توکی نشان می‌دهد که در عوامل کالبدی در محله، محله بافت میانی بیشترین و بافت حاشیه کمترین می باشد: بافت میانی < بافت جدید < بافت قدیم < بافت حاشیه
- مقیاس شهر: آزمون‌های پس از تجربه به کمک آزمون توکی نشان می‌دهد که در عوامل کالبدی در شهر، بافت قدیم و بافت حاشیه بیشترین و بافت میانی کمترین می باشد: بافت قدیم = بافت حاشیه < بافت جدید < بافت میانی

۳.۲. ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری دلبستگی به سه مقیاس مکان

۳.۲.۱. بعد شناختی

بعد شناختی شامل چهار مؤلفه "دانش، الگو، خاطره، معنی" می‌باشد که نتایج تحلیل نشان داده است که بین هر چهار محله در بعد شناختی تفاوت معنی داری وجود دارد.

دانش محله‌ای / معنی محله‌ای / الگو محله‌ای / خاطره محله‌ای: بافت قدیم < بافت میانی < بافت جدید < بافت

حاشیه

جدول ۶. میزان دانش محله بین محلات

دانش_محله			
Tukey HSD			
محلات	تعداد	Subset for alpha = 0.05	
		۱	۲
بافت حاشیه	۳۰	۳/۰۰۰	-
بافت	۳۰	۳/۷۰	۳/۷۰
بافت میانی	۳۰	-	۳/۹۰
بافت قدیم	۳۰	-	۴/۳۰
معنی داری		۰/۶۰۴	۰/۱۴۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۷. میزان معنی محله بین محلات

معنی_محله			
Tukey HSD			
محلات	تعداد	Subset for alpha = 0.05	
		۱	۲
بافت حاشیه	۳۰	۲/۰۰	-
بافت جدید	۳۰	-	۳/۲۰
بافت میانی	۳۰	-	۳/۵۰
بافت قدیم	۳۰	-	۴/۲۰
معنی داری		۱/۰۰	۰/۸۰۹

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۸. میزان الگوی محله بین محلات

الگو_محله			
Tukey HSD			
محلات	تعداد	Subset for alpha = 0.05	
		۱	۲
بافت حاشیه	۳۰	۱/۹۰	-
بافت جدید	۳۰	-	۲/۷۰
بافت میانی	۳۰	-	۲/۸۰
بافت قدیم	۳۰	-	۳/۰۰
معنی داری	-	۱/۰۰	۰/۷۲۸

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۹. میزان خاطره محله بین محلات

خاطره_محله			
Tukey HSD			
محلات	تعداد	Subset for alpha = 0.05	
		۱	۲
بافت حاشیه	۳۰	۲/۴۰	-
بافت جدید	۳۰	۳/۰۰	۳/۰۰
بافت میانی	۳۰	۳/۱۰	۳/۱۰
بافت قدیم	۳۰	-	۳/۳۰
معنی داری	-	۰/۱۸۷	۰/۳۱۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳.۲.۲. بعد عاطفی

بعد عاطفی شامل ۴ مؤلفه (شادی، تعصب و غرور، عشق و علاقه، دفاع از مکان) می‌باشد. گروه‌های همگن

آزمون توکی نشان می‌دهد:

-عشق محله: بافت جدید (بهاران) < بافت میانی (ادب) < بافت قدیم (چهارباغ) < بافت حاشیه (محله نایسر)
 -تعصب و غرور محله: بافت قدیم (چهارباغ) < بافت جدید (بهاران) < بافت میانی (ادب) < بافت حاشیه (محله

نایسر)

-شادی محله: بافت جدید (بهاران) < بافت میانی (ادب) < بافت قدیم (چهارباغ) < بافت حاشیه (محله نایسر)
 -دفاع از مکان محله: بافت حاشیه (محله نایسر) < بافت قدیم (چهارباغ) < بافت میانی (ادب) < بافت جدید

(بهاران)

جدول ۱۰. میزان عشق محله بین محلات

عشق محله			
Tukey HSD			
محلات	تعداد	Subset for alpha = 0.05	
		۱	۲
بافت حاشیه	۳۰	۲/۷۰	-
بافت قدیم	۳۰	۳/۲۰	۳/۲۰
بافت میانی	۳۰	-	۳/۶۰
بافت جدید	۳۰	-	۳/۷۰
معنی داری	-	۰/۳۴۶	۰/۳۴۶

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۱۱. میزان تعصب و غرور محله بین محلات

تعصب و غرور محله			
Tukey HSD			
محلات	تعداد	Subset for alpha = 0.05	
		۱	۲
بافت حاشیه	۳۰	۲/۰۰	-
بافت میانی	۳۰	۲/۶۰	۲/۶۰
بافت جدید	۳۰	-	۳/۰۰
بافت قدیم	۳۰	۰/۱۵۰	۳/۲۰
معنی داری	-	-	۰/۱۵۰

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۱۲. میزان شادی محله بین محلات

شادی محله			
Tukey HSD			
محلات	تعداد	Subset for alpha = 0.05	
		۱	۲
بافت حاشیه	۳۰	۲/۲۰	-
بافت قدیم	۳۰	۲/۸۰	۲/۸۰
بافت میانی	۳۰	-	۳/۳۰
بافت جدید	۳۰	-	۳/۳۰
معنی داری	-	۰/۰۷۷	۰/۱۸۵

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۱۳. میزان دفاع از مکان محله بین محلات

دفاع از مکان محله			
Tukey HSD			
محلات	تعداد	Subset for alpha = 0.05	
		۱	۲
بافت جدید	۳۰	۲/۹۰	-
بافت میانی	۳۰	۳/۱۰	-
بافت قدیم	۳۰	۳/۳۰	-
بافت حاشیه	۳۰	۳/۶۰	-
معنی داری	-	۰/۱۴۸	-

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳.۲.۳. بعد رفتاری

بعد رفتاری شامل ۴ مؤلفه (ترک با ناراحتی، کنترل بر امورات، مشارکت، عدم جابجایی) می‌باشد. بعد رفتاری در

بین هر سه محله دارای تفاوت معنی داری است:

در هر سه مقیاس مقیاس: بافت جدید (بهاران) < بافت میانی (ادب) < بافت قدیم (چهارباغ) < بافت حاشیه

(محله نایسر)

برای بعد رفتاری سه محله، رابطه مقابل خانه < محله < شهر برقرار است، یعنی با افزایش مقیاس، بعد رفتاری

کاهش می‌یابد.

جدول ۱۴. میزان رفتار محله بین محلات.

رفتار				
Tukey HSD				
محلات	تعداد	Subset for alpha = 0.05		
		۱	۲	۳
بافت حاشیه	۳۰	۲/۲۳۳۳	-	-
بافت قدیم	۳۰	۲/۵۰۰۰	۲/۵۰۰۰	-
بافت میانی	۳۰	-	۲/۸۵۰۰	۲/۸۵۰۰
بافت جدید	۳۰	-	-	۳/۱۵۸۳
معنی داری	-	۰/۵۳۵	۰/۲۹۴	۰/۴۰۷

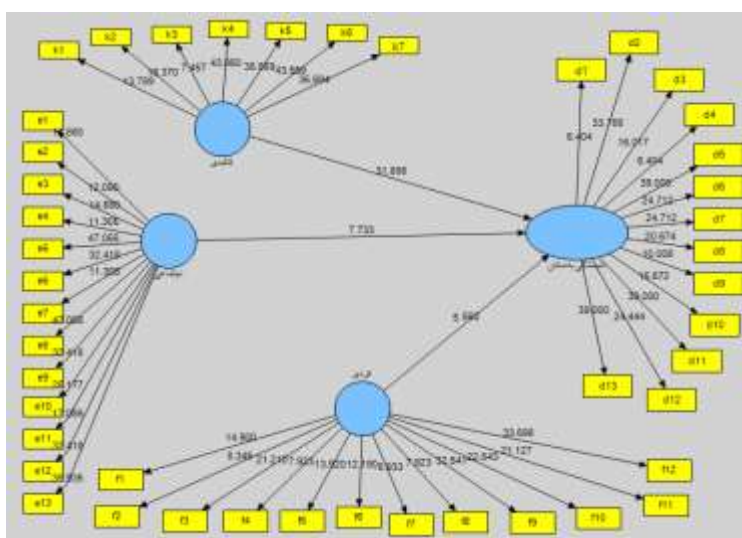
مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳.۳. تحلیل کمی داده‌ها

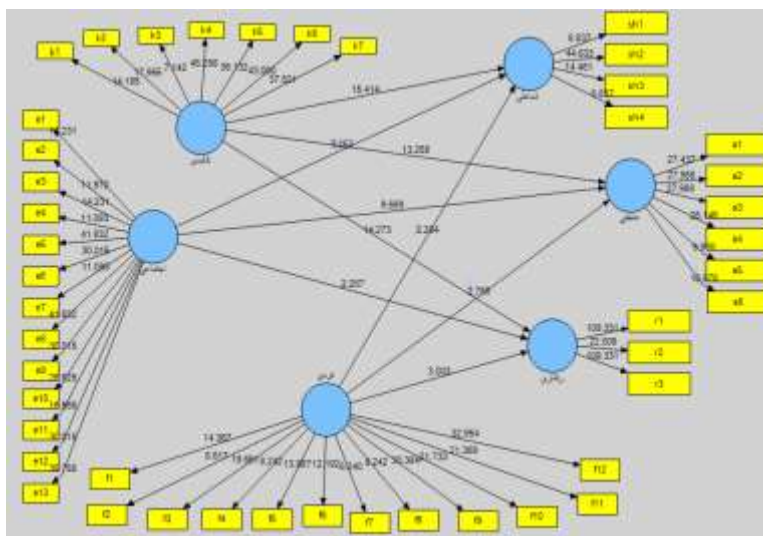
در این بخش از پژوهش برای ارزیابی اثرگذاری عوامل کالبدی، اجتماعی و فردی بر دلبستگی به مکان در سه مقیاس (خانه، محله و شهر) و نیز دلبستگی به مکان در سه بعد (شناختی، عاطفی و رفتاری) از مدل یابی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی با استفاده از نرم افزار SMARTPLS استفاده شده است.

۳.۳.۱ معیار ضرایب معناداری Z

ضرایب معناداری Z یا همان مقادیر t باید از ۱/۹۶ بیشتر باشند تا بتوان در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار بودن رابطه بین سازه‌ها را تأیید نمود. در شکل زیر مدل پژوهش همراه با ضرایب معناداری (t-value) مشاهده می‌شود.



شکل ۳. مدل تأثیر ابعاد (کالبدی، اجتماعی، فردی) بر دلبستگی به مکان در حالت قدر مطلق ضرایب معناداری



شکل ۴. مدل تأثیر ابعاد کالبدی، اجتماعی، فردی بر ابعاد دل بستگی به مکان حالت قدر مطلق ضرایب معناداری.

ضریب معناداری مربوط به مسیرهای مدل از ۱/۹۶ بیشتر است، که معنادار بودن مسیر و مناسب بودن مدل ساختاری و تایید تمام فرضیه های پژوهش را نشان می دهد.

۳.۲. آزمون مسیرهای مدل دل بستگی به مکان

پس از بررسی برازش مدل های اندازه گیری، مدل ساختاری و مدل کلی (شکل ۵ و ۶)، مطابق با الگوریتم تحلیل داده ها در روش PLS محقق را یاری می کند تا به بررسی و آزمون مسیرهای مدل تحقیق پرداخته و به یافته های تحقیق برسد. در صورتی که مقدار ضریب معناداری هر یک از مسیرها بیش از ۱/۹۶ باشد، مسیر مربوطه در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است.

جدول ۱۵. نتایج معادلات ساختاری مسیرهای مدل دل بستگی به مکان.

مسیرهای مدل دل بستگی به مکان	بتا	t	وضعیت مسیر	جهت رابطه
۱. عامل کالبدی بر دل بستگی به مکان	۰/۶۳	۳۱/۸۹	تایید	مثبت
۲. عامل اجتماعی بر دل بستگی به مکان	۰/۳۲	۷/۷۳	تایید	مثبت
۳. عامل فردی بر دل بستگی به مکان	۰/۲۷	۵/۵۶	تایید	مثبت
۴. عامل کالبدی بر بعد شناختی دل بستگی به مکان	۰/۹۰	۱۵/۴۱	تایید	مثبت
۵. عامل کالبدی بر بعد عاطفی دل بستگی به مکان	۰/۳۴	۱۳/۲۵	تایید	مثبت
۶. عامل کالبدی بر بعد رفتاری دل بستگی به مکان	۰/۷۱	۱۴/۲۷	تایید	مثبت
۷. عامل اجتماعی بر بعد شناختی دل بستگی به مکان	۰/۴۳	۳/۲۵	تایید	مثبت
۸. عامل اجتماعی بر بعد عاطفی دل بستگی به مکان	۰/۷۱	۹/۶۸	تایید	مثبت
۹. عامل اجتماعی بر بعد رفتاری دل بستگی به مکان	۰/۱۳	۲/۲۶	تایید	مثبت
۱۰. عامل فردی بر بعد شناختی دل بستگی به مکان	۰/۲۳	۲/۲۶	تایید	مثبت

جهت رابطه	وضعیت مسیر	t	بتا	مسیرهای مدل دل‌بستگی به مکان
مثبت	تایید	۲/۷۸	۰/۲۶	۱۱. عامل فردی بر بعد عاطفی دل‌بستگی به مکان
مثبت	تایید	۳/۰۰	۰/۳۵	۱۲. عامل فردی بر بعد رفتاری دل‌بستگی به مکان

$|t| > 1.96$ Significant at $P < 0.05$, $|t| > 2.58$ Significant at $P < 0.01$

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

بر اساس نتایج به دست آمده از ضرایب معادلات ساختاری در جدول شماره ۱۳، مقدار t برای کلیه پارامترها می‌توان بیان نمود که تمامی مسیرهای مدل دل‌بستگی به مکان با ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود و اثرگذاری عوامل (کالبدی، اجتماعی و فردی) بر دل‌بستگی به مکان در سه مقیاس (خانه، محله و شهر) و نیز دل‌بستگی به مکان در سه بعد (شناختی، عاطفی و رفتاری) به طور مثبت و معنادار می‌باشد؛ همچنین ضرایب بتا نشان می‌دهد که عامل کالبدی بیشترین تأثیر را بر دل‌بستگی به مکان، عامل اجتماعی بیشترین تأثیر را بر بعد عاطفی دل‌بستگی به مکان و عامل فردی بیشترین تأثیر را بر بعد رفتاری دل‌بستگی به مکان دارد.

۴. بحث

بررسی نتایج و عوامل دل‌بستگی به مکان در بین چهار محله از بافت‌های مختلف سندج نشان می‌دهد که محله بافت حاشیه (محله نایسر) از کمترین میزان دل‌بستگی به محله برخوردار می‌باشد. از جمله عوامل تأثیرگذار بر این یافته می‌توان به عدم وجود طرح از پیش اندیشیده شده معماری و شهرسازی در این بافت اشاره نمود. ساخت این محله بدون در نظر داشتن اصول اولیه شهرسازی و معماری مردم‌پذیر و سرزنده و به صورت کاملاً خودرو، با در نظر داشتن تنها سرپناهی برای سکونت شکل گرفته است. بدیهی است در چنین محیطی که فاقد هر نوع امکانات و تسهیلات اولیه برای سکونت باشد، ساکنین آن هیچ‌گونه دل‌بستگی به محیط سکونتی خود نخواهند داشت.

فرایند تحقیق نشان می‌دهد که ساکنین محله چهارباغ، در جایگاه سوم رضایت و دل‌بستگی به مکان قرار دارند، که از دلایل این امر می‌توان به این مسئله اشاره نمود که اگرچه ساکنین این محله در مرکز اصلی شهر قرار دارند اما با مشکلات و چالش‌های سکونتی بسیاری نظیر فرسودگی و ریزدانه‌گی بافت، صفر بودن سرانه فضای سبز و فراغتی اشاره نمود، که موجب بروز نارضایتی و عدم دل‌بستگی به خانه و محله در بین ساکنین شده است.

نتایج تحلیل برای بافت‌های میانی و توسعه یافته جدید نتایج بهتری را نشان می‌دهد. که از دلایل آن می‌توان به تنوع در کاربری و فعالیت‌های جاری در فضای این دو بافت اشاره نمود. واحدهای مسکونی در این دو بافت عمدتاً نوساز بوده و از اصول جاری و مطلوب شهرسازی و معماری تبعیت می‌نماید، ساکنین این بافت‌ها از انواع مختلفی از کاربری‌های مورد نیاز زندگی مطلوب و سرزنده در فواصل نزدیک محل سکونت خود برخوردار هستند. که همین مسئله خود موجب شکل‌گیری سطح بالایی از رضایت و دل‌بستگی به مکان در ابعاد و مقیاس‌های مختلفی در میان ساکنین شده است. بطور کلی، نتایج بدست آمده همسو با نتایج حاصل از تحقیقات پژوهشگرانی نظیر (حسینی و

همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۱۴؛ آرنبرگ^۱ و ادر^۲، ۲۰۲۱، ص. ۴۸؛ پورتینگا^۳ و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۲۷۳؛ صدریان و همکاران، ص. ۴۱؛ زنگنه و حسین آبادی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۵؛ توکلی نیا و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۲) بوده است و مؤید آنها می‌باشد.

۵. نتیجه گیری

تحقیق حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای دلبستگی به مکان در سه مقیاس خانه، محله و شهر در میان ساکنین بافت های شهر سنج انجام شده است، نتایج تحلیل نشان می‌دهد که از میان متغیرهای بعد روانشناسی، عناصر عاطفی، شناختی و رفتاری دلبستگی را شامل می‌شود و عوامل کالبدی (ارتباط دیگران با محیط) و اجتماعی (ارتباط فرد با دیگران) و متغیرهای مستقل ویژگی‌های فردی رابطه معناداری با متغیر وابسته دلبستگی به مکان دارند. به طور کلی، بررسی نتایج و مقایسه عوامل دلبستگی در بین چهار محله نشان داده است که محله بافت حاشیه (محله نایسر) با کمترین میزان دلبستگی به محله، از میان ابعاد دلبستگی، بعد عاطفی و از میان عوامل دلبستگی، عامل کالبدی نقش مؤثرتری بر دلبستگی به محله دارد. لذا با توجه به نتایج و مؤلفه‌ها باید ضوابطی در طرح‌های پیشنهادی برای بالابردن میزان دلبستگی در این محله تدوین نمود. بنابراین، طبق نتایج و مؤلفه‌ها باید ضوابط و راهکارهایی در طرح‌های پیشنهادی برای بالابردن میزان دلبستگی در این محله تدوین نمود. اما باید توجه داشت که این مداخلات نباید به جراحی‌های گسترده و کلان تبدیل شوند زیرا در این صورت به گسست هرچه بیشتر بافت منجر خواهد شد. در این جا به ارائه راهکارهای پیشنهادی برای بهسازی این بافت در جهت ارتقای حس دلبستگی به مکان می‌پردازیم.

- ایجاد مراکز فرهنگی همچون فرهنگسرا و سرای محله در راستای تقویت بار فرهنگی محله
- متناسب سازی و همخوان نمودن نظام ارتفاعی محله به طوریکه باعث بستن دید به نشانه‌های محلی نشود.
- اصلاح ریتم نماها به گونه ای که در مسیر القا کننده حرکت و در فضاهای مکث القا کننده سکون باشد.
- استفاده از پالت رنگی مشخص در جداره
- استفاده از آبنا در جلوخان مسجد و مکان‌های مناسب برای تلطیف محیط
- نورپردازی مناسب در کل محله و نورپردازی ویژه در مسیر پیاده و ساختمان‌های شاخص.
- احداث پارک و فضای سبز با توجه به فقدان آن در محله توصیه می‌گردد.
- ایجاد زمینه برای بروز انواع فعالیت‌ها می‌تواند موجب جذابیت محله شده و مردم را به سکونت در محله تشویق کند که این موضوع موجب افزایش تعلق به مکان می‌شود. پیشنهاد می‌شود با ایجاد تنوع کاربری‌های موجود در محله و در نتیجه برآورده کردن نیازهای روزمره ساکنین باعث ایجاد فعالیت خرید و فروش در محله شد.

- ایجاد فضایی جهت برگزاری مراسم هایی نظیر مراسم مولودی خوانی و عروسی ها یاد می کردند و خواستار فراهم کردن فضا و بستری برای اینگونه مراسم ها شدند.

کتابنامه

۱. احمدی، ف.، آقالطیفی، آ.، و افشار، ع. (۱۳۹۳). عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق در فرآیند بازآفرینی در بافت مسکونی اطراف حرم حضرت امام رضا (ع)، محله نوغان. هفت شهر، ۴ (۴۷ و ۴۸)، ۷۰-۸۴.
۲. توکلی نیا، ج.، افراسیابی، م.، و بوچانی، م. ح. (۱۳۹۴). سنجش میزان احساس تعلق خاطر مکانی و تأثیرات فضایی- مکانی آن در بافت های فرسوده شهری (مطالعه موردی: محله سهل آباد شیراز). چشم انداز زاگرس، ۷ (۲۵)، ۲۴-۱.
۳. چاره جو، ف.، و حوریجانی، ن. (۱۳۹۴). ارتقای کیفیت محیط با رویکردی ویژه بر احساس تعلق به مکان. سنندج: دومین همایش بین المللی و پنجمین همایش ملی عمران شهری، دانشکده فنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.
۴. رجایی، م.، گودرزی، م.، دارابی، م.، و تشکری، ک. (۱۳۹۶). بازتاب حس تعلق به مکان در طراحی سرای محله کوهسار تهران. پژوهش های مکانی - فضایی، ۱ (۲)، ۱۴۷-۱۲۳.
۵. رحیمی، ل. (۱۳۹۲). مقیاس مکان و دل بستگی: ارزیابی تأثیر مقیاس مکانی بر مدل دل بستگی ساکنین (نمونه موردی: محله سرخاب و شهرک رشیدیه شهر تبریز). تبریز: پایان نامه دکتری شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۶. رلف، ا. (۱۳۹۷). مکان و بی مکانی. ترجمه محمدرضا نقصان محمدی، کاظم مندگاری، و زهیر متکی، مجله آرمان شهر.
۷. زنگنه، ی.، و حسین آبادی، س. (۱۳۹۲). تحلیلی بر تعلق مکانی و عوامل مؤثر بر آن در سکونتگاه های غیر رسمی (مورد مطالعه: محدوده شرق کال عیدگاه سبزوار). مطالعات جامعه شناسی شهری (مطالعات شهری)، ۳ (۸)، ۱۶۲-۱۳۱.
۸. زنگنه، ی.، و حسین آبادی، س. (۱۳۹۳). تأثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیمی، نمونه موردی محله سرده سبزوار. پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۵ (۱۹)، ۱۲۸-۱۱۱.
۹. شولتز، ک. ن. (۱۳۹۵). روح مکان: به سوی پدیدارشناسی معماری. ترجمه محمدرضا شیرازی، مجله رخ داد نو.
۱۰. صدریان، ز.، حسینی، س.، و نوروزیان ملکی، س. (۱۳۹۳). ارتقاء حس تعلق به مکان از طریق نوسازی بافت فرسوده با توجه به فضای واسط (نمونه موردی: محله باغ شاطر تهران). معماری و شهرسازی ایران، ۷ (۷)، ۴۴-۳۵.
۱۱. علی نام، ز. (۱۳۹۳). بررسی دل بستگی به مکان در محله با رویکرد روانشناسی شناختی. تبریز: پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۱۲. فلاحت، م.، کمالی، ل.، و شهیدی، ص. (۱۳۹۶). نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری. مجله باغ نظر، ۱۴ (۴۶)، ۲۲-۱۵.
۱۳. کاظم زاده آزاد، ف. (۱۳۹۱). طراحی با رویکرد افزایش حس تعلق به محله (مطالعه موردی محله جمشیدیه تهران). پایان نامه کارشناسی ارشد، قزوین: دانشکده دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).

۱۴. مهندسین مشاور تدبیر شهر (۱۳۸۷). مطالعات طرح تفصیلی و جامع شهر سنندج. سنندج: مهندسین مشاور تدبیر شهر.

15. Abusafieh, S., & Razem, M. (2017). Human Behavior and Environmental Sustainability: promoting a pro-environmental behavior by harnessing the social, psychological and physical influences of the built environment. Western Australia: *In World Renewable Energy Congress*.
16. Arnberger, A., & Eder, R. (2012). The influence of green space on community attachment of urban and suburban residents. *Urban Forestry & Urban Greening*, 11, 41-49.
17. Azizi, F., & Shekari, F. (2018). Modeling the Relationship between Sense of Place, Social Capital and Tourism Support. *Iranian Journal of Management Studies*, 11, 547-572.
18. Bigdeli Rad, V., & Bin Ngah, I. (2013). The Role of Public Spaces in Promoting Social Interactions. *Int. J. Curr. Eng. Technol*, 3, 184-188.
19. Gattino, S., Piccoli, N. D., Fassio, O., and Rollero, C. (2013). Quality of Life and Sense of Community. A Study on Health and Place of Residence. *J. Community psychol*, 41, 811-826.
20. Hashemnezhad, H., Heidari, A.A., and Mohammad Hoseini, P. (2013). Sense of place and place attachment. *Int. J. Archit. Urban Dev*, 3, 4-12.
21. Hosseini, F., Sajadzadeh, H., Aram, F., & Mosavi, A. (2021). The Impact of local green spaces of historically and culturally valuable residential reareas on place attachment. *Land*, 10, 1-17.
22. Jansen, S. (2020). Place attachment, distress, risk perception and coping in a case of earthquakes in the Netherlands. *J. Hous. Built Environ*, 407-427.
23. Jorgensen, B., & Stedman, R. (2001). Sense of Place as an Attitude: Lakeshore Owners Attitudes Toward their Properties. *J. Environ. Psychol*, 21, 233-248.
24. Junot, A., & Fenouillet, F. (2018). Place attachment influence on human well-being and general pro-environmental behaviors. *J. Theor. Soc. Psychology*, 2, 49-57.
25. Kitchen, P., Williams, A., & Gallina, M. (2015). Sense of belonging to local community in small-to-medium sized Canadian urban areas: a comparison of immigrant and Canadian-born residents. *BMC Psychology*, 3, 1-17.
26. Moulay, A., Ujang, N., Maulan, S., & Ismail, S. (2018). Understanding the process of parks' attachment: Interrelation between place attachment, behavioural tendencies, and the use of public place. *City, Culture and Society*, 14, 28-36.
27. Pinter-Wollman, N., Jelić, A., & Wells, N.M. (2018). The impact of the built environment on health behaviours and disease transmission in social systems. *Philosophical Transactions of the Royal Society*, 373, 1-18.
28. Plys, E., & Qualls, S. (2020). Sense of community and its relationship with psychological well-being in assisted living. *J. Aging Ment. Health*, 10, 1645-1653.
29. Poortinga, W., Calve, T., Jones, N., Lannon, S., Rees, T., Rodgers, S.E., Lyons, R.A., & Johnson, R. (2017). Neighborhood Quality and Attachment. *Environ. Behav*, 49, 255-282.
30. Raymond, C., Brown, G., & Weber, D. (2010). The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental connections. *J. Environ. Psychol*, 4, 422-434.
31. Scannell, L., & Gifford, R. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *J. Environ. Psychol*, 30, 1-10.
32. Shim, C. (2011). Urban tourism: placelessness and placeness in shopping complexes. USA: Travel and Tourism Research Association International Conference.
33. Song, Y., Wang, R., Fernandez, J., & Li, D. (2021). Investigating sense of place of the Las Vegas Strip using online reviews and machine learning approaches. *Landsc. Urban Plan.* 205, 1-12.

34. Teixeira, D. (2014). Close your Eyes and I'll Kiss You: the role of soundtracks in the construction of place, *Invisible Places*, 18–20JULY 2014, VISEU, PORTUGAL.
35. Ujang, N. (2012). Place Attachment and Continuity of Urban Place Identity. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 49, 156-167.
36. Ujang, N., & Zakariya, K. (2015). The Notion of Place, Place Meaning and Identity in Urban Regeneration. Seoul: Chung-Ang University, Asian Conference on Environment-Behaviour Studies, 170, 709-717.
37. Yuan, X., and Crooks, A. (2019). Assessing the placeness of locations through user-contributed content, *Proceedings of the 3rd ACM SIGSPATIAL International Workshop on AI for Geographic Knowledge Discovery*, 15-23.